

یک مصیبت انسانی فراموش شده نوشته لیون کاتر (Lieven Cauter)

ششمین سالگرد تعرض به عراق، لحظه ای غم انگیز برای جمعیتی است. در طی شش سال از اشغال، 1.20.000 نفر شهروند عراقی کشته شدند که در بین شان 2000 پزشک و 5500 اکادمیسین وجود داشت. در این مدت 4.700.000 نفر آواره شدند. 2.7 میلیون نفر در داخل و 2 میلیون نفر در خارج از عراق در کشورهای همسایه که در بین آن ها نیز 20.000 پزشک وجود دارد. بر مبنای اطلاعات داده شده توسط صلیب سرخ اکنون عراق کشور بیوه ها و کودکان یتیم است. 2 میلیون بیوه و 5 میلیون کودک یتیم نتیجه ی جنگ، تحریم، دوباره جنگ و اشغال است. بسیاری ازین افراد (حدود 500.000 نفر) بی خانمان هستند.

تقریباً یک سوم کودکان عراقی از سوء تغذیه رنج می برند. حدود 70٪ دختر بچه های عراقی دیگر به مدرسه نمی روند. خدمات بهداشتی پزشکی در کشوری که زمانی به عنوان بهترین در منطقه بود کاملاً از هم پاشیده است. 75٪ نیروهای شاغل در این بخش کارشان را ترک کرده اند. نیمی از آن ها کشور را ترک نمودند و بعد از 7 سال بازسازی خدمات بهداشتی در عراق هنوز به حداقل استاندارد بین المللی نرسیده است.

بدلیل کاربرد مهمات دارای اورانیوم در زمان اشغال شمار مبتلایان به سرطان به شدت افزایش یافته است. بر اساس گزارشی از اوکسفان وضعیت زنان بسیار رقت انگیز است. مطالعه نشان می دهد که با حداکثر خوشبینی باز هم وضعیت زنان بدتر شده است. اغلب کالاهای ضروری نایاب هستند. دسترسی به آب آشامیدنی برای بخش بزرگی از جمعیت عراق مشکل است و برق نیز روزانه بین 3 تا 6 ساعت قابل استفاده است آن هم در کشوری که به کشور مهندسی معروف بود.

4 نفر از هر 6 عراقی در آستانه ی فقر و بیکاری است که شامل 28.1٪ جمعیت فعال کشور است. در کنار 26 زندان رسمی حدود 600 زندان مخفی در عراق وجود دارد. بنا به گزارش اتحادیه ی زندانیان سیاسی عراق، بیش از 400.000 نفر عراقی تا سال 2003 دستگیر شده اند که در میان آن ها 6.500 خردسال و 10.000 زن وجود داشت. فساد مالی در کشور بیداد می کند و عراق بعد از سومالی و میانمار سومین کشور از لحاظ فساد مالی در جهان است (البته ایران را فراموش کرده اند که در یک قلم یک میلیارد دلار در دست رئیس جمهور ناپدید شده است). مجله ی آمریکایی مسائل خارجی از عراق با عنوان دولت ورشکسته نام می برد در حالی که عراق سومین ذخیره طبیعی نفت جهان را در اختیار دارد اما اجازه صادرات نفتی در انحصار کنسرن های بین المللی نفتی است که 25 سال آزرگار است که بر نفت عراق پنجه انداخته اند در حالی که هیچ اجازه یا نمایندگی قانونی ندارند. به جای این که پول نفت عراق برای بازسازی کشور پرداخت شود با برداشت های میلیاردی این کنسرن ها از نفت، عراق دوباره غارت می شود. یک پاکسازی قومی گسترده در عراق علیه ترکمن ها، مسیحی ها، آسوری ها و شباک ها جریان دارد. کرکوک با مهاجرت وسیع و اقامت غیرقانونی اسرائیلی ها کرد زدایی و تاریخ اش تحریف می شود.

این اطلاعات در 18 مارس 2009 در یک نشست پارلمان اروپا در بروکسل توسط جمعی از متخصصان عراق ارائه شد. در 19 مارس در یک نشست پارلمان بلژیک یک نماینده ی ملی بعد از صحبت های دکتر عمر ال-کوبائسی که متخصص کاردیوگرافی و بهداشت است، صریحاً اعلام کرد که وی هیچ گونه ایده ای از مصیبت های انسانی در عراق ندارد. چه کسی می تواند او را سرزنش کند؟ در مطبوعات اروپایی در این باره یا کم نوشته شده یا اصلاً چیزی نیامده. روزنامه ها معمولاً در باره ی انتخابات، یا یک بمب گذاری یا جریانات سیاسی یا نتایج مثبت یک جراحی و غیره در عراق می نویسند اما در باره ی رنج های مردم عراق چیزی در آن ها نیست. ما خواب مانده ایم و خود را تسلی می

دهیم: اوپاما برگرداندن نیروهای آمریکایی را برنامه ریزی می کند. بنا براین مساله ی عراق از برنامه خارج است. واقعیت این است که ما می خواهیم مساله را بدست فراموشی بسپاریم زیرا غرب در این باره مسئول است. علاوه بر دولت آمریکا و دولت بلیر در انگیس کشورهای هلند، دانمارک، مجارستان، لهستان و ایتالیا متحد اشغال عراق بودند و مسئولیت سنگینی بعهدہ دارند. چگونه ممکن است ما اثرات جنگ را که با آمدن گزارشات شوک آور افکار عمومی جهان را تکان داد، پنهان کنیم؟

" دارفور" زنگ نوعی از هولوکاست آفریقایی را بصدا در آورد اما جنایات علیه بشریت در حد یک قتل عام عمومی در عراق ندیده گرفته می شود.

26 مارس 2009

ترجمه فریده ثابتی

مؤخره مترجم: مساله ی جنگ و عواقب آن مساله ای نیست که با برانگیخته شدن افکار عمومی علیه آن برای همیشه پایان گیرد. دیدیم که افکار عمومی و اعتراضات میلیونی در کشورهای مختلف و از جمله در آمریکا نتوانست جلوی شروع جنگ را در عراق بگیرد باید کاری کرد که جلوی اقدام به جنگ و اشغال گرفته شود. گرچه جنگ به تعبیری ادامه ی سیاست است و دولت های سرمایه داری برای جلوگیری از بحران یا برای برون رفت از بحران یا اهداف هژمونیک به آن اقدام می کنند چنان که جنگ جهانی دوم بود که توانست بالاخره بر بحران بزرگ 1929 فائق آید و با تخریب زیرساخت های اقتصادی این فرصت را برای سرمایه های سرریز شده ی آمریکایی فراهم آورد که فضایی برای عمل پیدا کنند و به عنوان سرمایه دوباره بازتولید شوند و البته که برای سرمایه کشته شدن 40 میلیون انسان اهمیتی نداشت. و دیدیم که برای غلبه بر رکود جهت جلوگیری از بحران در ده سال اخیر چه جنگ ها تدارک دیده شد و چه مصیبت های انسانی چه در اروپای شرقی چه در افغانستان یا عراق به وجود آمد. اما غباری بر چهره سرمایه ننشست. بنابراین باید بار جنگ را بردوش جنگ آفرینان گذاشت. باید غرامت جنگ، بازسازی همه ی خرابی ها و کل زیرساخت های اقتصادی جامعه نه وسیله ای برای بکار اندازی سرمایه های بیکار مانده و انباشت شده سرمایه داران و نه بصورت وام های کوتاه یا بلند مدت با بهره بلکه وظیفه ی تخریب کنندگان در آید. باید به همه بازماندگان شهروندان غیرنظامی کشته شده توان پرداخت شود همان گونه که مثلا به ازای مسافران هواپیمای ساقط شده پرداخت می شود و بازماندگان مورد مراقبت روانی قرار گیرند. جنگ سازان موظف شوند همه شهرها و روستاها را همان گونه که بودند بازسازی کنند. شاید این وظایف سنگین بتواند اندکی از بار توحش سرمایه بکاهد و مصیبت های انسانی را کاهش دهد.

منبع :

Brusselstribunal.org